

## ایران - اسرائیل: موازنه‌ای نابرابر

مهدي زاده علي \*

دلیر سعیدزاده \*\*

۶۷

### چکیده

بحث احتمال وقوع درگیری نظامی بین ایران و اسرائیل گرچه محدود به شرایط حاضر نیست، اما تحولات سالهای اخیر موجب شده که این موضوع به صورت جدی از سوی تحلیلگران نظامی-سیاسی مورد توجه قرار گیرد. در شرایط جدید حاکم بر این دو واحد، ایران در حلقه اول تهدیدات اسرائیل قرار گرفته؛ چرا که سازش اعراب و تلاشهای جهان عرب برای کاهش تنش با اسرائیل موجب شده تا خطر آنها برای اسرائیل کم رنگ گردد. همین تغییر در اولویتهای امنیتی اسرائیل موجب شده تا سناریوی درگیری اسرائیل و ایران از سوی برخی از تحلیلگران امری ممکن و جدی باشد. با این وجود همچنان ایران و اسرائیل از درگیری با یکدیگر اجتناب می‌ورزند. تمرکز مقاله بر این است تا با بررسی جنبه‌های مختلف این درگیری احتمالی، به چرایی عدم اقدام ایران و اسرائیل علیه یکدیگر پاسخ گفته شود و به این منظور علاوه بر توجه به تواناییهای طرفین این درگیری به عواملی جدای از قدرت نظامی آنها که می‌تواند توجیه‌کننده این شرایط باشد، پرداخته می‌شود.

**کلید واژگان:** الگوی درگیری، توان موثر در درگیری، ایران، اسرائیل

\* محقق دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی.

\*\* محقق مسایل خاورمیانه.

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی-آمریکاشناسی، سال یازدهم، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸، صص ۸۹-۶۷.

◆ اسرائیل‌شناسی-آمریکاشناسی

گرچه موضوع روابط خصمانه میان ایران و اسرائیل پس از انقلاب اسلامی پدیده‌ای تازه نیست، اما به دلایلی چند برای دوره‌ای نسبتاً طولانی، به رغم موضع گیریهای رسمی و غیر رسمی مسئولان ایران مبنی بر عدم مشروعیت و نفی وجود اسرائیل، ایران تا سالها در رده نخست تهدیدات اسرائیل نبوده است. از جمله این دلایل می‌توان به نبود مرز مشترک میان ایران و اسرائیل، نبود ظرفیت حمایت از ایران در مجموعه کشورهای هم‌جوار با اسرائیل و سطح پایین توان تهاجمی نیروهای مسلح ایران - به ویژه نیروی هوایی و نیروهای هوایرود به دلیل آسیب‌هایی که طی جنگ طولانی با عراق به آنها وارد شده بود - اشاره کرد. اما وقوع حوادثی موجب شد تا شرایط جدیدی بر روابط دو کشور حاکم گردد؛ شرایطی که سایه جنگ و یک رویارویی نظامی هر چند محدود بر آن سنگینی می‌کند.

دستیابی ایران به مجموعه‌ای از تسلیحات به ویژه موشک‌های میان بردی که توان انجام عملیاتی علیه اسرائیل را به این کشور می‌داد، در کنار هراس اسرائیل از پیشرفتهای هسته‌ای ایران موجب پدیداری نگرانیهای امنیتی جدی در اسرائیل از افزایش قدرت ایران شده است. اسرائیل نیز در واکنش به این نگرانی اقداماتی را انجام داده که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تهدیداتی علیه ایران به وجود آورده است. تلاش اسرائیل برای به چالش کشیدن ایران در موضوع هسته‌ای و تبدیل آن به یک بحران جدی امنیتی برای ایران به ویژه از طریق تلاش برای سوق دادن جهان به سمت اقدام نظامی علیه ایران و حمله اسرائیل به گروه‌های لبنانی و فلسطینی مورد حمایت ایران طی چند سال اخیر و بمباران برخی از تاسیسات کشور سوریه نمونه‌هایی از اقدامات اسرائیل علیه ایران و شبه متحدان آن در منطقه است. مجموعه این حوادث محرک ایجاد این شرایط جدید محسوب می‌شود، شرایطی که فضای روابط دو واحد را دگرگون کرده است. اکنون ایران از نگاه اسرائیل در حلقه اول تهدیداتش قرار گرفته است؛ چرا که سازش اعراب و تلاشهای جهان عرب برای کاهش تنش با اسرائیل موجب شده تا خطر آنها برای اسرائیل کم رنگ گردد. همین تغییر در اولویتهای امنیتی اسرائیل موجب شده تا سناریوی درگیری اسرائیل و ایران از سوی برخی از تحلیلگران امری ممکن و جدی باشد. این موضوعی است که باید با تحلیل شرایط ایران و اسرائیل و بررسی

توان هر یک در برابر دیگری به دلایلی به پرداخت که تاکنون مانع از آن شده اند که این دو واحد سیاسی وارد یک منازعه جدی با یکدیگر شوند. مسئله ای که در این شرایط جدید مطرح است این است که به چه دلیل با وجود این جو خصمانه شدید میان ایران و اسرائیل و سطح بالای تهدیدات متقابل، هیچ یک از این دو واحد سیاسی اقدام به عملی ساختن تهدیدات خود علیه دیگری نکرده اند؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه به آزمون گذارده می شود که آنچه موجب عدم اقدام ایران در برابر اسرائیل شده از یک سو به مختصات قدرت نظامی و از سوی دیگر به ویژگیهای متمایز فرهنگی - تاریخی ایران باز می گردد. اما در مورد اسرائیل ترس و عدم اطمینان نسبت به شرایط بعد از تهاجم به ایران مانع عمده ای در برابر تهاجم ایجاد کرده است. ضرورت بحث و به آزمون گذاردن این فرضیه پاسخ گویی به چند سؤال پیرامون موضوع بحث را ایجاب می کند. نخست اینکه، رویارویی نظامی احتمالی ایران و اسرائیل در آینده از چه الگویی تبعیت می کند و در این رویارویی چه بخشهایی از توان نظامی هریک به کار گرفته می شود؟ دوم، موقعیت هر واحد در این درگیری چگونه تعیین می شود؟ و در نهایت، میزان کارایی این توان نظامی در گیر به چه میزان است؟

### ایران - اسرائیل: الگوی درگیری آینده

نحوه و چگونگی درگیری احتمالی آتی میان ایران و اسرائیل تحت تاثیر عواملی چون جغرافیا، ساختار نیروهای مسلح هر دو واحد و مسئله زمان خواهد بود. این عوامل انتخاب طرحهای عملیاتی را محدود می سازد. فاصله جغرافیایی میان دو سرزمین که بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر است و همچنین عدم وجود مرز مشترک یا متحد استراتژیک برای هر یک در جوار مرز دیگری از عمده محدودیتهای طرفین این معادله است که این مسئله با توجه به ساختارهای متفاوت نیروهای مسلح هر واحد تاثیری متفاوت بر توان هریک می گذارد.

به صورت سنتی شاکله اصلی توانایی نظامی ایران بر نیروی زمینی گسترده و قوی آن استوار بوده؛ چراکه از یک سو ایران ظرفیتهای تامین چنین نیرویی از جمله جمعیت و سرزمین را داشته، از سوی دیگر عمده تهدیدات ایران در دوره ای نسبتاً طولانی مربوط به کشورهایی چون شوروی و عراق می شده که مرز زمینی گسترده ای با ایران داشته اند. با توجه

به این موضوع درک این مسئله چندان پیچیده نیست که عامل جغرافیا موجب عدم کارایی موثر این بخش از توان نظامی ایران می شود. در مقابل اسرائیل به جهت فقدان این ظرفیتها به ویژه محدودیتهای نیروی انسانی به توانمندسازی سایر بخشهای نظامی و ایجاد یک نیروی زمینی کوچک ولی کارآمد اقدام کرده است. همین امر سبب شده تا این فاصله مکانی تاثیر کمتری بر توان عملیاتی نیروهای مسلح آن بگذارد.

عامل دیگر محدود کننده طرحهای عملیاتی مسئله زمان است. با توجه به سابقه درگیریهای نظامی که ایران و اسرائیل در آن دخیل بوده اند و ساختارهای متفاوت نیروهای مسلح طرفین، به روشنی می توان دریافت که بر خلاف اسرائیل که توان آن برای شرکت در یک درگیری طولانی و فرسایشی بسیار محدود است، تجربه نشان داده است که ایران توان تحمل چنین شرایطی را دارد.

مجموع این عوامل نشان می دهد که این درگیری نمی تواند یک جنگ گسترده در ابعاد وسیع باشد که کل توان طرفین را درگیر سازد؛ چرا که فاصله مکانی میان طرفین به دلیل محدود ساختن امکان اعزام نیرو و ارسال تجهیزات و پشتیبانی از آنها، مانع عمده در کاربرد نیروهای زمینی و دریایی است. اما محتمل ترین حالت ممکن برای آن یک نبرد محدود، سریع و با تکیه بر توان تهاجمی نیروهای هوایی و موشکی طرفین برای آسیب رساندن به اهداف حیاتی و از پیش تعیین شده است؛<sup>۱</sup> هر چند که این درگیری ضرورتاً با نقض حریم هوایی کشورهای هم جوار همراه خواهد بود. به این ترتیب آنچه مورد انتظار است نه یک جنگ کلاسیک، که گونه ای از جنگهای مدرن مبتنی بر فناوری است و برتری هر یک از طرفین درگیری در بهره برداری از فناوریهای جدید نظامی، عاملی تعیین کننده در میزان عملکرد موثر توان نظامی آن است. به این ترتیب می توان گفت که تنها دو بخش از کل تواناییهای نظامی هر یک از طرفین این معادله توان عمل در شرایط این درگیری را دارد که شامل توان تهاجمی هوایی - یعنی نیروی هوایی و موشکی - و توان دفاع هوایی - که پدافند هوایی و موشکی را در بر می گیرد - می باشد.

## ایران: توان موثر در درگیری با اسرائیل

### ۱. توان موشکی ایران

ایران برای نخستین بار طی جنگ با عراق اقدام به خرید و کاربرد موشکهای زمینی به زمین کرد.<sup>۲</sup> براساس گزارشهای موجود طی سالهای ۱۳۶۶-۱۳۶۵ ایران توانست ۴ سکوی پرتاب موشک اسکاد B و ۵۴ فروند از این نوع موشک را از دو کشور لیبی و سوریه خریداری کند و برای نخستین بار در اسفند ۱۳۶۳ اهدافی را در بغداد توسط این سلاحها هدف قرار داد. گزارشهایی نیز مبنی بر دریافت تعداد ۹۰ تا ۱۰۰ فروند دیگر از این موشکهای طی سالهای ۶۷-۱۳۶۶ از کره شمالی وجود دارد.<sup>۳</sup> در مجموع طی جنگ شهرها تا سال ۱۳۶۷ در مقابل ۱۹۳ فروند موشک عراقی شلیک شده به سمت ایران - ۱۸۹ فروند موشک الحسین و ۴ فروند موشک اسکاد Bs - حدود ۸۰ فروند موشک اسکاد Bs ایرانی به بغداد و دیگر شهرهای عراق اصابت کرد.<sup>۴</sup> در اواخر و پس از پایان جنگ با عراق، ایران اقدام به خرید حدود ۲۰۰ فروند موشک چینی کرد. با توجه به ویژگیهای این موشکها - برد حدود ۱۵۰ کیلومتر و خرج ۲۰۰ کیلوگرمی - می توان دریافت که هدف از تهیه این اقلام تسلیحاتی افزایش توان ایران در برابر عراق بوده است.<sup>۵</sup>

در دهه ۱۳۷۰ ایران علاوه بر دریافت سلاح تلاش برای دستیابی به فناوری ساخت آنها را آغاز کرد. در سال ۱۳۷۰ ایران برای دریافت موشکهای اسکاد C و فناوری مونتاژ و تولید چینی به توافق رسید و برای نخستین بار این موشک در اردیبهشت ۱۳۷۰ در یک پرتاب آزمایشی از مرکزی نزدیک قم پرتاب و در ۵۰۰ کیلومتری شرق آنجا در نزدیکی شاهرود به زمین اصابت کرد. در سال ۱۳۷۳ ایران توانست با بهره گیری از فناوری خریداری شده از کره شمالی دست به بومی سازی و بهبود توان موشکهای اسکاد بزند؛ موشکهای شهاب ۱ و ۲ محصول این فرایند بومی سازی و بهینه سازی موشکهای اسکاد است. با تغییرات اعمال شده در موشک اسکاد C، برد نمونه ایرانی تا ۷۰۰ کیلومتر افزایش یافت.

اما آنچه فعالیت موشکی ایران را مورد توجه تحلیلگران قرار داد، اولین آزمایش موشک شهاب ۳ با بردی نزدیک به ۱۳۰۰ کیلومتر بود. این موشک برای نخستین بار در سال ۱۳۷۷ مورد آزمایش قرار گرفت و برای به آزمون گذاردن میزان موفقیت تغییرات اعمال شده در آن

برای افزایش برد و دقت این سلاح بارها مورد آزمایش قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این موشک به لحاظ ساختار مهندسی نسخه‌ای طراحی شده بر اساس مهندسی معکوس شده از موشک نودونگ کره شمالی باشد که با اعمال تغییراتی دقت و توان عملیاتی آن بالا برده شده و به احتمال زیاد برای این منظور، ایران علاوه بر فناوری کره شمالی و چین از فناوری روسی نیز بهره گرفته است.<sup>۶</sup> لازم به ذکر است که موشک نودونگ نیز دارای فناوری روسی و برگرفته از موشک R-17 است که دارای بردی بین ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ کیلومتر بوده و قابلیت حمل کلاهک جنگی به وزن ۷۰۰ تا ۱۳۰۰ کیلوگرم را دارد. نودونگ موشکی با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای است.<sup>۷</sup> در سال ۲۰۰۶ و طی رزمایش پیامبر اعظم نمونه‌ای متفاوت از موشک شهاب ۳ مورد آزمایش قرار گرفت. بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی مقامات نظامی ایران کلاهک جنگی این موشک پس از جدایی از موشک به چند بخش تقسیم شده که این قسمتها می‌توانند با حرکت در مسیرهای واگرا هم زمان چند هدف متنوع را مورد اصابت قرار دهند. به گفته فرمانده وقت نیروی هوایی سپاه پاسداران سردار حسین سلامی به دلیل همین تنوع، این سامانه قادر است که از رادارهای دشمن گریز کند و سامانه‌های ضد موشک دشمن را سرگردان کند. همچنین برد این موشک متغییر و بسته به وزن کلاهک آن بین ۱۳۰۰ تا ۲۰۰۰ کیلومتر است.<sup>۸</sup> آخرین مورد از پرتابهای آزمایشی این موشک طی رزمایش پیامبر اعظم ۳ در مرداد ۱۳۸۷ صورت گرفت. در این رزمایش جهت نمایش توان موشکی ایران ۹ فروند موشک شامل موشکهای شهاب ۳، زلزله و فتح به صورت هم زمان شلیک شدند.<sup>۹</sup> آخرین تحولات در عرصه فناوری موشکهای بالستیک ایران به دومین آزمایش موشک سجیل باز می‌گردد. موشک سجیل یک موشک بالستیک میان برد با سوخت جامد است که تاکنون دو بار مورد آزمایش قرار گرفته است. طبق برآوردها این موشک بردی نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر داشته و از فناوری پیشرفته و دقت بالایی برخوردار است.<sup>۱۰</sup>

## ۲. توان هوایی ایران

با توجه به شرایط ایران یعنی گذران جنگی طولانی که به شدت بر زیر بناهای توان نظامی آن آسیب وارد کرده بود و همچنین اعمال تحریم فروش اقلام عمده نظامی به ویژه

هوایما، قطعات یدکی و سلاحهای مورد نیاز آنها، درک وضعیت کنونی توان هوایی کشور امکان پذیر است. نیروهای هوایی ایران شامل نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی نزدیک به ۳۰۰ فروند جنگنده و بمب افکن را از دو خانواده هوایماهای آمریکایی و روسی در اختیار دارند. عمده هوایماهایی که در دسته نخست جای می گیرد شامل هوایماهای F-4، F-5، F-14 آمریکایی هستند که در سالهای پیش از انقلاب اسلامی خریداری و در سازمان رزم نیروهای مسلح ایران به کار گرفته شدند.<sup>۱۱</sup> اما پس از پایان جنگ نیروی هوایی ایران که نیازمند بازسازی و بهینه سازی تجهیزات خود بود، تلاش کرد تا از یک سو در سیستم های هوایی و دفاع هوایی در داخل کشور تعمیرات و تغییرات ضروری انجام دهد و از سوی دیگر توان این نیرو را با تجهیز به پرنده های جدید افزایش دهد. به این منظور بود که انواع جدیدی از هوایماهای نظامی وارد نیروی هوایی ایران شد. دسته دوم نیز علاوه بر هوایماهای MiG-29A، Su-24MK روسی و هوایمای F-7M یا J-7 چینی را نیز در بر می گیرد. هر چند که این اقدامات نقش مهمی در افزایش توان هوایی ایران داشته است، اما نکته قابل ذکر در مورد نیروهای هوایی ایران این است که عمر بخش عمده ای از هوایماهای به کار گرفته شده در آن بالاست و این امر تاثیر مستقیمی بر کارایی آنها در نبردهای هوایی دارد. به این دلیل است که به روز رسانی و افزایش توان نیروی هوایی ایران از ضروریات راهبرد دفاعی ایران می باشد. باید گفت علاوه بر این سلاحهای وارداتی در حال حاضر نمونه هایی از پرنده های ایرانی نیز در کشور در حال ساخت است که از آن جمله می توان به هوایماهای صاعقه، آذرخش و شفق اشاره کرد.<sup>۱۲</sup>

### ۳. پدافند هوایی و موشکی ایران

توانمندی هر سیستم در دفاع از خود در برابر تهدیدات بالفعل یکی از مهم ترین ویژگیهایی است که حفظ موجودیت سیستم بدان وابسته است و سیستم های نظامی نیز از این اصل مستثنا نیستند. دفاع هوایی نیز بخشی از توانمندی است که با توجه به تحولات صورت گرفته و جاری در فناوریهای نظامی هر روزه بر اهمیت آن افزوده خواهد شد. باید این نکته را در نظر داشت که دفاع هوایی فرایندی چند مرحله ای است که به صورت شبکه ای

متشکل از هواپیماهای جنگنده، موشکهای دوربرد، میان برد و کوتاه برد زمین به هوا و در نهایت توپها و تیربارهای ضد هوایی طراحی شده و عمل می کند. اگر تهدیدات موشکهای بالستیک نادیده گرفته شوند، سامانه های پدافند هوایی باید توانایی رویارویی با تهدیداتی چون هواپیماهای سرنشین دار متعارف، رادارگریز و بدون سرنشین، بمبهای هوشمند، موشکهای هوا به زمین، کروز و ضد رادار را داشته باشند.<sup>۱۳</sup> در مورد میزان کارایی این سامانه ها باید این نکته را در نظر داشت که علاوه بر عامل فناوری، وسعت سرزمین و توپوگرافی آن نیز از عوامل تاثیرگذار بر عملکرد آنها است.

احتمالاً همراهی عوامل فوق در ایران موجب کاهش اطمینان به این سیستم دفاعی کشور شده است. آسیبهای وارده به این سیستم طی جنگ تحمیلی و تحریم تسلیحاتی اعمال شده بر ایران چه در طول جنگ و چه در سالهای پس از آن که طی یک دوره زمانی مانع خرید سامانه های به روز می شد، از عوامل کاهش اطمینان به توان دفاع هوایی ایران به شمار می آید. ضمن اینکه عوامل دیگری چون وسعت سرزمینی ایران و پراکندگی نقاط استراتژیک در کشور و وجود پستی و بلندیهای زمین که مانع ایجاد پوشش راداری کامل شده، عدم دسترسی ایران به پوشش ماهواره ای جهت کنترل حریم هوایی و هزینه های بالای ایجاد یک سامانه دفاع هوایی به روز موجب شده است که سیستم دفاع هوایی ایران ناتوان از ایجاد اطمینان کافی برای دفاع از کلیه نقاط حساس و استراتژیک کشور باشد. شاکله اصلی سیستم پدافند هوایی زمین پایه ایران بر سامانه های موشکی هاوک و برخی از موشکهای زمین به هوای روسی و چینی استوار است که در ترکیب با توپخانه و تیربارهای ضد هوایی استفاده می شود. سامانه های موشکی هاوک توسط ایالات متحده و طی سالهای پیش از انقلاب وارد ایران شده اند،<sup>۱۴</sup> به همین جهت آشکار است که با توجه به فناوری به کار گرفته شده در آنها در حال حاضر پاسخگوی تهدیدات جدید با فناوری برتر نیستند و از سوی دیگر به دلیل شناخت دقیق اسرائیل از نقاط ضعف این سیستم ها، آنها در دفاع از حریم هوایی ایران نیز کارآمد نیستند. خانواده موشکهای سام روسی و چینی شامل موشکهای SA-5، SA-15، SA-2، HQ-2، SA-15 در سالهای پس از انقلاب اسلامی به عنوان جایگزینی برای سیستم های هاوک در پدافند هوایی ایران به کار گرفته شدند؛ این سامانه ها دارای فناوری روسی و چینی



هستند که عمده آنها نیز از فناوری روز دنیا فاصله دارند. نکته دیگر اینکه، میزان کاربرد این سیستم های جایگزین موجب نشده که سامانه های هاوک به عنوان بخش عمده ای از پدافند هوایی ایران کنار گذارشته شوند. در حال حاضر تنها سیستم عملیاتی شده در ایران که از فناوری به روزی برخوردار است سامانه تور ام ۱ می باشد که به عنوان بخشی از دفاع موشکی وارد ایران شده است. سامانه تور ام ۱ ساخت روسیه است که نخستین و تنها سامانه کوتاه برد از این نوع در جهان محسوب می شود. هدف از طراحی و ساخت این سامانه مقابله با موشکهای کروز، جنگ افزارهای هدایت دقیق و هواپیماها در فاصله ۱۰ متر تا ۱۲ کیلومتری و ارتفاع حداکثر ۶ کیلومتری است. تور ام ۱ توان شناسایی ۴۸ هدف و درگیری با دو هدف را به صورت هم زمان دارد.<sup>۱۶</sup> در حال حاضر اقدامات قابل توجهی در مورد سامانه S300 نیز در جریان است که بخشی از دیوار دفاعی و بازدارندگی فعال به شمار می رود.

### اسرائیل: توان موثر در درگیری با ایران

#### ۱. توان موشکی اسرائیل

برنامه موشکهای بالستیک اسرائیل در اوایل دهه ۱۹۶۰ با امضای قرارداد خریداری و انتقال فناوری تعدادی موشک یک مرحله ای اریحا ۱ از فرانسه آغاز شد. اریحا ۱ یک موشک بالستیک کوتاه برد (۷۵۰-۴۸۰ کیلومتر) با فناوری مبتنی بر موشکهای MD-620 فرانسوی است<sup>۱۷</sup> که پس از ۱۹۶۷ و محدودیت صادرات فناوری در فرانسه، توسعه این موشک توسط صنایع دفاعی اسرائیل و با فناوری بومی ادامه یافت و در سال ۱۹۷۳ این موشک در وضعیت عملیاتی قرار گرفت. بر اساس گزارشهای منتشر شده اسرائیل علاوه بر کلاهکهای انفجاری به وزن ۸۰۰ کیلوگرم، کلاهک شیمیایی و هسته ای به قدرت ۲۰ مگاتن نیز بر روی این موشک نصب کرده است.<sup>۱۸</sup> موشک اریحا ۲ نمونه اصلاح شده موشک اریحا ۱ است که علاوه بر افزایش دقت، افزایش برد نیز یافته است. نخستین آزمایش این موشک در ۱۹۸۶ انجام شد که طی آن موشک بردی بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر داشت. این برد برای پوشش دادن جهان عرب و ایران کافی بود. اسرائیل این موشک را در طول دریای مدیترانه پرتاب و آزمایش کرد؛ به این ترتیب این موشک بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر پرواز کرده بود. متخصصان بر این عقیده اند

که بیشترین برد این موشک ممکن است به ۱۵۰۰ کیلومتر برسد.<sup>۱۹</sup> موشک شاییت که یک موشک حامل سه مرحله‌ای سوخت جامد است و در سال ۱۹۸۸ برای قرار دادن ماهواره افق ۱ از سوی اسرائیل به کار گرفته شد، در صورتی که به عنوان موشک بالستیک تغییر کاربری یابد توان حمل کلاهکی به وزن ۷۷۵ کیلوگرم تا فاصله ۴۰۰۰ کیلومتری را داراست، در این صورت این موشک توان پوشش دادن تمام منطقه خاورمیانه و بخشی از خاک روسیه و اروپا را دارد.<sup>۲۰</sup> جدیدترین محصول صنایع نظامی اسرائیل در زمینه موشکی، موشک اریحا ۳ است که براساس برخی از گزارشهای تایید نشده بردی برابر ۴۸۰۰ کیلومتر داشته و مبتنی بر فناوری Next SLV است. این موشک در مرحله توسعه قرار دارد.

با دقت در داده‌های فنی مربوط به این موشکها روشن است که از میان خانواده موشکهای اریحا، موشکهای اریحا ۲ و ۳ و همچنین موشک بالستیک مبتنی بر فناوری ماهواره بر شاییت تهدیدی برای ایران محسوب می‌شوند؛ چراکه این سه موشک توان ضربه زدن به اهدافی در خاک ایران را دارند. اما با توجه به وضعیت عملیاتی آنها تنها موشک اریحا ۲ است که به لحاظ نظامی واجد اهمیت است. هم‌اکنون تعدادی بین ۵۰ تا ۱۰۰ فروند از این موشکها در تونلها و سیلوهای زیر زمینی در مجاورت پایگاه هوایی زکریا به کار گرفته شده است.<sup>۲۱</sup> البته برنامه موشکهای بالستیک تنها برنامه اسرائیل جهت کاربرد این سلاحها در سازمان رزم نیروهای مسلح خود نیست؛ چراکه اسرائیل تلاش گسترده‌ای جهت به کارگیری موشکهای کروز دارد و برای نخستین بار در سال ۲۰۰۰ و هم‌زمان با مذاکرات با سوریه درخواست خرید موشکهای تاماهاوک آمریکایی از سوی اسرائیل مطرح شد اما تاکنون خبری در زمینه دریافت این سلاحها توسط اسرائیل منتشر نشده است.

## ۲. توان هوایی اسرائیل

نیروی هوایی اسرائیل که به نظر می‌رسد از برترینهای جهان در تجهیزات و نیروی انسانی است با در اختیار داشتن نزدیک به ۳۵۰ فروند جنگنده بسیار پیشرفته<sup>۲۲</sup>، یکی از قوی‌ترین استحکامات خاورمیانه است. این نیرو با شرکت در درگیریهای مختلف و حمله به اهدافی چون راکتور اوسیراک عراق و مقر فرماندهی سازمان آزادی بخش فلسطین در تونس

نشان داده که علاوه بر داشتن توان تهاجمی بالا، با اتکا بر جنگنده های F-16 و F-15 قادر به تهاجم و انجام عملیات در فواصل طولانی نیز هست. در حال حاضر نیز علاوه بر نمونه های پیشین این جنگنده ها، دو نمونه جدید و به روز رسانی شده از آنها توسط ایالات متحده آمریکا در اختیار اسرائیل قرار گرفته است. هر دوی این جنگنده ها یعنی F-16I و F-15I برای انجام عملیات در فواصل طولانی مجهز شده اند؛ به نحوی که در حال حاضر دارای بالاترین ظرفیت عملیاتی در مقایسه با نمونه های پیشین می باشند.<sup>۲۳</sup>

### ۳. پدافند هوایی و موشکی اسرائیل

بر خلاف ایران، جهت گیری عوامل موثر در کیفیت پدافند هوایی اسرائیل به نحوی است که منجر به ایجاد یک سیستم دفاع هوایی موثر شده است. دسترسی اسرائیل به فناوری و تجهیزات نوین نظامی، از هواپیماهای نظامی پیشرفته تا به روزترین سامانه های موشکی زمین به هوا و در اختیار داشتن پوشش ماهواره ای برای کنترل حریم هوایی خود و بخش عمده ای از منطقه خاورمیانه - که امکان غافل گیری آن را از یک حمله هوایی یا موشکی گسترده به حداقل می رساند- در کنار عامل جغرافیا که به دلیل کوچکی و وضعیت نسبتاً هموار آن امکان پوشش راداری مناسبی را پدید آورده است، از عوامل موثر بر افزایش کارایی این سیستم می باشند. اسرائیل تلاش کرده تا پدافند هوایی خود را متحول کند و برای مدرن کردن آن بر اساس پنج عنصر متداخل و تاثیرگذار زیر برنامه ریزی کرده است.

۱. شبکه شناسایی و هشدار؛ ۲. هواپیماهای جنگنده و موشکهای زمین به هوا و توپخانه ضد هوایی؛ ۳. شبکه دفاع الکترونیکی؛ ۴. دستگاههای رهبری و کنترل، ارتباطات و اطلاعات؛ و
۵. سیستم های دفاع ضد موشک بالستیک. شبکه شناسایی و هشدار شامل بیش از ۵۰ ایستگاه رادار هشدار دهنده، هواپیماهای هشدار دهنده پیش از موقع، ایستگاههای کنترل و رهبری و ماهواره های جاسوسی است. این شبکه عهده دار هماهنگی میان جنگنده ها و سایت های پدافند هوایی و موشکی است.<sup>۲۴</sup>

سامانه های پدافند ضد موشک اسرائیل نیز یکی از ارکان عمده سیستم دفاعی آن محسوب می شود. در حال حاضر سه سامانه دفاع ضد موشک پاتریوت، ارو و دلیله در اسرائیل

به صورت عملیاتی فعال هستند که هر یک از این سامانه‌ها با توجه به تواناییهای عملیاتی خود با اهداف خاص به کار گرفته شده‌اند. مجموعه ضد موشک پاتریوت، سیستم پدافند دوربرد است که توانایی انجام عملیات علیه موشکهای بالستیک تاکتیکی، موشکهای کروز و هواپیماهای پیشرفته در ارتفاع بالا را دارد. رادار این سیستم ظرفیت رهگیری بیش از ۱۰۰ هدف در فاصله ۱۰۰ کیلومتری و توان هدایت هم‌زمان ۹ موشک شلیک شده را دارد. این سامانه برای نخستین بار در جریان جنگ کویت برای مقابله با موشکهای سطح به سطح عراق به کار گرفته شد و در درگیری با آنها توانست موفقیت نسبی کسب کند. در نمونه‌های اخیر موشک پاتریوت به نام PAC-3 کارایی موشک علیه اهدافی چون موشکهای بالستیک و کروز افزایش یافته است.<sup>۲۵</sup> سامانه پدافند ضد موشک ارو محصول صنایع هواپیمایی اسرائیل است که بر نامه تولید آن در سال ۱۹۸۸ آغاز شد. نمونه بهینه‌سازی شده آن نیز با عنوان ارو ۲ در ۱۹۹۵ مورد آزمایش قرار گرفت و در سال ۲۰۰۴ پس از آزمایش موفقیت آمیز این سیستم توسط نیروی دریایی ایالات متحده علیه موشکهای اسکاد C و D وارد فرایند تولید انبوه شد. این سامانه توان شناسایی اهداف را در محدوده ۵۰ کیلومتری دارا بوده و هم‌زمان امکان کنترل ۱۴ نقطه برخورد را دارد. برد موشک ارو حداکثر ۹۰ کیلومتر بوده و ارتفاع برخورد با هدف بین ۱۰ تا ۵۰ کیلومتر است.<sup>۲۶</sup> هفدهمین آزمایش ضد موشکی ارو ۲ اسرائیل در آوریل ۲۰۰۹ انجام شد که طی آن ضد موشک ارو توانست یک موشک اسپارو را که از جنگنده بمب افکن F-15 شلیک شده بود، بر فراز مدیترانه مورد اصابت قرار دهد. این نخستین نمونه از سیستم به روز شده ارو ۲ به شمار می‌آید که مورد آزمایش قرار گرفت.<sup>۲۷</sup>

ضد موشک دلیله به صورت مجموعه‌ای متشکل از سامانه‌های جستجو و هشدار است که هدف از آن شناسایی مکان دقیق موشک‌هایی است که احتمالاً برای هدف قرار دادن اسرائیل در حال آماده شدن هستند تا از این طریق پیش از شلیک موشک، آن را توسط حملات هوایی از میان بردارند. اتکای اصلی بر نوعی موشک کروز است که توسط اسرائیل توسعه یافته، این موشک توان طی مسیر ۲۵۰ کیلومتری را دارد. این سیستم بیش از آنکه از خصلت پدافندی برخوردار باشد حالتی آفندی دارد. شناخت تهدیدات بالقوه و برنامه ریزی و ایجاد پایگاه در اطراف مکانهای تهدید احتمالی پیش از آغاز درگیری یکی از ضروریات این سیستم است.<sup>۲۸</sup>

## برآورد کارآمدی توان موثر در درگیری

### ۱. توان نظامی اسرائیل: کارآمدی در تهاجم

برای بررسی میزان کارآمدی یک نیروی نظامی نخست باید دانست که این نیرو برای تهاجم علیه چه اهدافی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. با توجه به این نکته پرسش این است که اسرائیل در حمله به ایران کدام نقاط را مورد هدف قرار خواهد داد. پاسخ پرسش را با دقت در راهبرد کلی امنیتی اسرائیل می توان یافت. برای اسرائیل بازدارندگی (هسته ای و غیرهسته ای) رکن اصلی حفظ بقا و امنیت است<sup>۲۹</sup> و هر آنچه که به این بازدارندگی خدشه وارد سازد، خط قرمزی برای امنیت اسرائیل محسوب می شود، تا آنجا که برای حفظ شرایط و برتری نظامی خود از اقدام به حملات پیش گیرانه ابایی ندارد. افزایش توان یکی از واحد هایی که نام آن در زمره تهدیدهای اسرائیل است، از نگاه آنها عاملی است که می تواند شرایط بازدارندگی را تغییر دهد.<sup>۳۰</sup> واکنش اسرائیل نسبت به فعالیتهای هسته ای عراق و اقدام به حمله به تاسیسات اوسیراک در ۱۹۸۱ با این نگاه قابل فهم و تحلیل است. از نگاه اسرائیل توان علمی ایران در بخش فناوری هسته ای نیز از مصادیق تغییر شرایط علیه اسرائیل است. دستیابی ایران به هر سطح از فناوری هسته ای از آنجا که به صورت بالقوه برتری اسرائیل را در این حوزه زیر سؤال خواهد برد، برای اسرائیل امری غیر قابل پذیرش به شمار می آید. به همین جهت است که مقامات سیاسی - نظامی اسرائیل به صورت رسمی و علنی از حمله به تاسیسات هسته ای ایران سخن می گویند.<sup>۳۱</sup> این استدلال و سابقه اقدام اسرائیل علیه عراق نشان می دهد که در صورت اقدام به حمله، هدف اول و عمده اسرائیل سایتهای هسته ای ایران خواهد بود و به صورت طبیعی دومین هدف ضربه زدن به توان پاسخگویی آن در برابر این اقدام اسرائیل است. با توجه به این نکته است که می توان به برآورد کارایی نیروهای نظامی اسرائیل علیه ایران پرداخت.

در ارزیابی توان تهاجمی نیروی نظامی اسرائیل علیه تاسیسات هسته ای ایران نخست این نکته را باید در نظر داشت که اگر چه برنامه موشکهای بالستیک اسرائیل به آن امکان هدف قرار دادن تاسیسات هسته ای ایران را داده اما بر خلاف گستره و سابقه این برنامه، این موشکها به عنوان حامل کلاهکهای استراتژیک هسته ای و یا شیمیایی و میکروبی کاربرد

دارند و نه سلاح تاکتیکی نبرد و مجهز به کلاهک انفجاری معمولی. با این وجود بر فرض استفاده از آنها در این درگیری با توجه به وضعیت عملیاتی، موشک اریحا ۲ مسلح به کلاهکی به وزن ۱۰۰ - ۷۵۰ کیلوگرم است که می تواند علیه اهدافی چون تاسیسات هسته ای ایران به کار گرفته شود. اما کارآمدی این سلاح تحت تاثیر چند عامل است: نخست بعد مکانی و مسئله دقت. از آنجا که موشکهای بالستیک عموماً از دقت بالایی برخوردار نیستند و دقت آنها به نسبت مسافت طی شده کاهش می یابد به همین سبب است که شعاع خطای موشک افزایش می یابد. هر چند که اسرائیل امکان استفاده از پوشش ماهواره ای برای کنترل و هدایت مسیر موشک را دارد اما همچنان نمی توان بر این موشکها به عنوان سلاحی برای نابودی هدفی کاملاً مشخص اتکا کرد. نکته دوم به ویژگیهای هدف باز می گردد. برای تخریب مهم ترین هدف یعنی مرکز غنی سازی نطنز، از آنجا که این مرکز در تونلهای طولانی و در زیر زمین ایجاد شده است، نیاز به سلاحی است که امکان عبور از پوشش تونلها را داشته باشد و درحجمی باشد که امکان تخریب این سایت را به وجود آورد.<sup>۳۲</sup> اما به نظر نمی آید که کلاهک انفجاری معمولی یک موشک بالستیک بتواند از این پوشش عبور کند.

فرض یک حمله هوایی توسط نیروی هوایی اسرائیل با هدف منهدم ساختن سایتیهای هسته ای اصلی ایران در نطنز، اصفهان و اراک محتمل تر به نظر می آید. جنگنده های F-16I و F-15I هر دو توان پرواز به سمت ایران، انجام عملیات و بازگشت را داشته، همچنین امکان حمل بمبهای BLU-113 یا BLU-109 را دارد که قادر به نفوذ در استحکامات زیر زمینی هستند.<sup>۳۳</sup> جغرافیا، اهداف و مختصات پروازی این جنگنده ها سبب می شود تا احتمال تهاجم از سه مسیر بیشتر باشد. در مسیر نخست جنگنده ها با پرواز از فراز مدیترانه در جهت جنوب به شمال و عبور از جنوب حریم هوایی ترکیه در مسیر شرق به غرب از شمال غربی وارد حریم هوایی ایران می شوند و به سمت اهداف خود پرواز می کنند. مسیر دوم که کوتاه ترین مسیر ممکن است، شامل عبور از حریم هوایی اردن، عربستان سعودی، عراق و ورود به حریم هوایی ایران از غرب و پرواز به سمت اهداف می شود. سومین مسیر که طولانی ترین مسیر احتمالی نیز هست، با پرواز از فراز خلیج عقبه آغاز و با عبور از غرب به شرق حریم هوایی عربستان تا خلیج فارس ادامه می یابد و با ورود از گوشه جنوب غربی ایران و پرواز تا اهداف

کامل می‌گردد. این تهاجم هوایی با توجه به انتخاب هر یک از این سه مسیر می‌تواند با مسایلی رو به رو گردد.<sup>۳۴</sup> مسئله‌ای که در مورد هر سه مسیر وجود دارد، مربوط به کشورهای می‌شود که حریم هوایی آنها باید مورد استفاده قرار گیرد. سؤال اینجاست که آیا آنها اجازه عبور را به هواپیماهای نظامی اسرائیل خواهند داد؟ پذیرش در خواست اسرائیل از سوی این کشورها با خطر واکنش ایران نسبت به این اقدام آنها همراه است. عدم پذیرش و مخالفت آنها با این درخواست ممکن است اسرائیل را وادارد تا بدون اعلام به آنها اقدام به نقض حریم هوایی شان کند که این امر می‌تواند به خطر درگیری ناخواسته با هواپیماهای نظامی اسرائیل بینجامد.

۸۱

در مورد مسیر نخست نزدیکی پایگاههای هوایی تبریز و همدان و اصفهان می‌تواند مسئله ساز گردد. در مسیر دوم شاید تنها پایگاه هوایی تبریز باشد که این حمله هوایی در شعاع عملیاتی آن قرار ندارد و سایر پایگاههای مستقر در غرب کشور امکان مقابله با این تهاجم را دارند. مسئله دیگر به توان پدافند هوایی زمین پایه ایران در غرب کشور باز می‌گردد. سالها احساس تهدید جدی ایران از عراق و تجربه جنگ سبب شده که هم پوشش راداری مناسبی به عنوان پشتیبان دفاع هوایی برای این بخش از کشور فراهم آید و هم پدافند آن قوی تر از سایر مناطق باشد. در مورد مسیر سوم، علاوه بر طولانی بودن مسیر پروازی که احتمالاً سوخت گیری مجدد را ضروری می‌سازد، احتمال برخورد مهاجمان با پایگاههای جنوبی کشور نیز وجود دارد. نکته مهمی که در این میان واجد اهمیت است این است که همان گونه که شرح داده شد، با توجه به چینش پایگاههای هوایی و سایتهای موشکی زمین به هوای ایران در نیمه غربی کشور تهاجم هوایی اسرائیل از هر سه مسیر می‌تواند برای ایران فاقد عنصر غافل گیری در مراکز هدف شود. آشکارسازی این حمله پیش از رسیدن به نقاط هدف می‌تواند امکان اعلام هشدار به مراکز دفاع هوایی اهداف احتمالی و درگیری و مقابله با مهاجمان پیش از نزدیکی آنها به اهداف عملیات را به وجود آورد. اما با وجود این احتمالات باید گفت که در صورت عبور هواپیماهای اسرائیلی از این موانع و رسیدن آنها به مواضع هدف امکان موفقیت آنها در تخریب تاسیسات هسته‌ای ایران دور از ذهن نیست هر چند تدابیر دفاعی لازم از جمله استحکامات بتونی برای دفاع موثر تعبیه شده است.

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

در مورد دومین هدف این تهاجم هوایی؛ یعنی ضربه زدن به توان پاسخگویی ایران در برابر اقدام اسرائیل، باید گفت که موفقیت آن جای تردید دارد و این تردید به سبب ویژگیهای توانایی پاسخگویی ایران است. با توجه به مختصات نیروهای مسلح ایران که پیش از این در بحث از توان موثر ایران در درگیری با اسرائیل بدان پرداخته شده، می توان استدلال کرد که موثرترین سلاح ایران در پاسخگویی به اقدام اسرائیل موشکهای بالستیک میان بردی است که ایران در اختیار دارد. ویژگی خاص این موشکها این است که از سکوهایی متحرک پرتاب می شوند و این موجب می شود تا هدف ثابتی برای حمله فرعی (ضربه زدن به توان پاسخگویی ایران) به صورت هم زمان با حمله اصلی (حمله به تاسیسات هسته ای ایران) وجود نداشته باشد.

## ۲. توان نظامی ایران: کارآمدی در پاسخ

در مورد کارآمدی موشکهای ایرانی در حمله احتمالی اسرائیل باید چند نکته را در نظر داشت. نخست، همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد موشکهای بالستیک از دقت بالایی برخوردار نیستند و موشکهای میان برد ایران نیز از این قاعده مستثنا نیستند. هر چند از زمان آزمایش نخستین موشک از این نوع تا کنون سعی در اصلاح این نقیصه و افزایش دقت موشک شده، اما به سبب عدم امکان ایجاد پوشش راداری یا ماهواره ای مناسب برای رهگیری، کنترل مسیر و اصلاح آن در صورت نیاز، با خروج موشک از حوزه تحت پوشش رادارهای ایران، دیگر امکانی برای اصلاح مسیر آن وجود نداشته که این امر موجب کاهش دقت در هدف گیری مواضع مورد نظر می شود. دوم، توان غلبه این موشک بر سیستم های دفاع ضد موشک است. بزرگی سطح مقطع این موشک که در آشکار سازهای راداری قطر آن ۱/۳۲ - ۱/۳۵ متر و طول نزدیک به ۱۶ متر ظاهر می گردد، موجب می شود سیستم های ضد موشک امکان شناسایی و هدف گیری موشک را نداشته باشند. هر چند تلاش شده تا این نقطه ضعف با افزایش سرعت فرود موشک و به ویژه با کاربرد کلاهک فجر ۳ برطرف گردد،<sup>۳۵</sup> اما استفاده از این کلاهک به سبب تقسیم خرج موشک در سه بخش و به تبع آن کاهش کمی آن موجب کاهش توان تخریبی موشک می گردد. باید این نکته را نیز در نظر داشت که در حالی که فجر ۳ امکان اصابت چند هدف را به صورت هم زمان برای موشک شهاب ۳ به



وجود می آورد، دقت هدف گیری آنها مورد سؤال است؛ چراکه مسئله هدایت سه کلاهک به جای یک موشک بسیار پیچیده تر است. سوم تعداد موشکهای آماده برای شلیک؛ به جهت استفاده از موتورهای سوخت مایع در موشک شهاب ۳ مراحل آماده سازی این موشک طولانی بوده همچنین از زمان سوخت گیری، موشک عمر عملیاتی مشخصی دارد که پس از طی آن امکان عملیاتی شدن مجدد موشک محدود می گردد. به این دلیل است که تعداد موشکهای آماده برای پرتاب همواره محدود است. حرکت ایران به سمت ساخت موشکهای سوخت جامدی چون سجیل تلاشی است که برای حل این مشکل صورت گرفته، اما به دلیل جدید بودن آنها این احتمال وجود دارد که تعداد موشک آماده به شلیک در سازمان رزم نیروهای مسلح ایران همچنان محدود باشد.

با توجه به استقرار سیستم های دفاع ضد موشک در مراکز عمده و حیاتی اسرائیل کارایی موشکهای بالستیک میان برد ایران به شدت تحت الشعاع توانایی این سیستم ها در مقابله با حملات موشکی قرار دارد. هر چند تجربه جنگ خلیج فارس برای ضد موشک پاتریوت تجربه کاملاً موفقی نبود و در مواردی چون اصابت موشک اسکاد عراقی به آسایشگاه سربازان آمریکایی در ظهران عربستان یا نقاطی در اسرائیل کارایی چندانی از خود نشان نداد، اما به نظر می آید که با اصلاحات صورت پذیرفته در آن تاکنون دقت و کارایی آن به میزان بسیاری بهبود یافته است. ضد موشک ارو نیز که اساساً برای مقابله با حملات موشکهای بالستیک طراحی شده هر چند که تاکنون در شرایط نبرد قرار نگرفته، اما با توجه به نتایج آزمایشهای انجام پذیرفته بر روی آن می توان استدلال کرد که این ضد موشک نیز از توان درگیری بالایی در برابر موشکهای ایرانی برخوردار است. اما از آنجایی که به نظر می آید صرف مورد اصابت قرار دادن نقاطی در اسرائیل - به گونه ای که بتواند تاثیر روانی بسیاری داشته باشد - برای اثرگذاری موشکهای ایرانی با هدف پاسخگویی به تهاجم کافی باشد، می توان به کارآمدی موشکهای میان برد ایرانی اعتماد کرد. چراکه برای این منظور تخریب نقاطی خاص نظیر سایتهای هسته ای یا پایگاههای نظامی ضروری نیست.

آنچه تاکنون بدان پرداخته شد، برآوردها و محاسبه توان نظامی ایران و اسرائیل بوده، اما موقعیت هر واحد در یک رویارویی نظامی نه تنها به توان نظامی آنها بلکه به دیالکتیک

پیچیده حاکم بر عناصر غیرنظامی دخیل و روابط میان تواناییهای رو در رو در عرصه درگیری وابسته است. به طور طبیعی می توان دریافت که برای واحدی که دست به تهاجم می زند نخست توان موثر در آفند و سپس توان موثر پدافندی در برابر اقدامات متقابل طرفی که مورد هجوم واقع شده، واجد اهمیت است. درمقابل برای مدافع ابتدا توان دفاعی و پس از آن توان پاسخگویی است که تعیین کننده است. با پذیرش این فرض می توان گفت که برآورد کردن کارایی نیروی نظامی هر کشور در یک درگیری به موقعیت آن نیز وابسته است.

بی شک رجوع به تاریخ اگر چه نمی تواند پاسخگوی آینده باشد، می تواند راه گشای تحلیلی راجع به آن باشد. تاریخ دو قرن اخیر نشان می دهد که ایران برای دوره ای بیش از ۲۰۰ سال آغازگر هیچ جنگی نبوده است. از سوی دیگر، در گذشته نزدیک این سرزمین تجربه یکی از طولانی ترین و خونین ترین جنگها وجود دارد. این تجربه نزدیک از جنگ و درک پیامدهای آن در عرصه اقتصاد و اجتماع به نوعی موجب شده تا نخبگان سیاسی و نظامی ایران از پیش آوردن شرایط وقوع یک درگیری مجدد اجتناب ورزند. دوری جستن از تهاجم به دیگران و درک آثار جنگ، صلح طلبی تاریخی-فرهنگی ملت ایران را تقویت و تشدید کرده است. این امر با توجه به برخی از مسایل مذهبی نیز تقویت شده است. منع جهاد ابتدایی بدون حضور امام معصوم در فقه شیعه از عواملی است که مانع از آن می شود که پیش از تهاجم دشمن، یک کشور اسلامی وارد جنگ شود. بر اساس دیدگاههای جدید در فقه شیعه تقسیم دوگانه جهاد در فقه کلاسیک به صورت جهاد ابتدایی و دفاعی از هم پاشیده و کل جهاد در اسلام ماهیت دفاعی پیدا کرده است.<sup>۳۶</sup>

اما برخلاف ایران، اسرائیل که تاریخ خود را با جنگ آغاز کرده، در طول اندک زمانی که از شکل گیری آن می گذرد، بارها و بارها شاهد درگیریهای نظامی بوده است. مجموعه عواملی که بستر اجتماعی چنین رفتاری را شکل می دهد عبارتند از: ۱. ماهیت نقش کاربردی طرح صهیونیست ها و تضاد ریشه ای آن با ساکنان اصلی سرزمین فلسطین و کشورهای هم جوار؛ ۲. نگرش توسعه طلبانه؛ ۳. ماهیت حکومت به طوری که خشونت ابزاری ضروری برای ارتش اسرائیل به شمار می آید و این رژیم همواره با مفهوم «دژ محاصره شده» ضرورت پای بندی به خشونت و اقدام دور اندیشانه برای رویارویی با خطر را مورد تاکید

قرار می دهد؛ و ۴. احساس قدرت برتر و ایجاد انگیزه استفاده از آن و حذف کامل کانونهای تنش و بحران اجتماعی و ایجاد آرامش اجتماعی در داخل اسرائیل.<sup>۳۷</sup> از دید استراتژیست های اسرائیلی حفظ برتری نظامی در منطقه خاورمیانه یکی از لوازم بازدارندگی موفق است. بر این اساس یک ارتش صرفاً دفاعی به هیچ وجه کافی نبوده، بلکه نیروهای ارتش اسرائیل باید از توان تهاجمی بالایی برخوردار باشند.<sup>۳۸</sup> با توجه به مطالب ذکر شده، هرچند به قطع نمی توان پیرامون آینده سخن گفت، اما تجربه نشان می دهد به احتمال زیاد در صورت وقوع درگیری، این ایران نیست که دست به تهاجم می زند، بلکه اسرائیل در موقعیت مهاجم قرار می گیرد.

### ۳. ایران - اسرائیل: نابرابری در علت

ایران و اسرائیل با توجه به تواناییهای نظامی خود از ظرفیتهای خاصی برخوردارند که موقعیت هریک را در رقابت شبه جنگ سردی که میان آنها وجود دارد، مستحکم می کند. ویژگی خاص رقابت این دو واحد، سطح بالای تهدیدات لفظی هر یک علیه دیگری و وجود جو خصمانه شدید است. اکنون به سؤالی که در مقدمه طرح شد، باز می گردیم که به چه دلیل با وجود این جو خصمانه شدید میان ایران و اسرائیل و سطح بالای تهدیدات متقابل، هیچ یک از این دو واحد سیاسی اقدام به عملی ساختن تهدیدات خود علیه دیگری نمی کند؟

پاسخی که از زاویه ایران به این سؤال داده می شود، بسیار متفاوت است؛ چرا که برخلاف اسرائیل آنچه موجب عدم اقدام ایران علیه اسرائیل می شود نخست ناشی از مختصات نیروهای نظامی ایران و پس از آن حاصل ویژگیهای فرهنگی و تجربیات تاریخی ایرانیان است. همان گونه که پیش تر اشاره شد، هم نخبگان سیاسی - نظامی و هم مردم ایران به دلیل وجود ویژگیهای فرهنگی و روان شناختی خاصی که منتج از تجربه تاریخی آنهاست - و نه صرف محاسبات نظامی و سیاسی - تمایلی به آغاز درگیری ندارند. اما برای اسرائیل مسئله به گونه ای دیگر است؛ چرا که برخلاف تمایل و توان اسرائیل نسبت به نابودی توان هسته ای ایران که ناشی از خوی تجاوزکارانه و اطمینان آن به قابلیت های نظامی خود است، مجموعه شرایطی وجود دارد که مانع از آن می شود تا اسرائیل در مورد اقدام علیه ایران

به نتیجه قطعی رسد. اسرائیل نمی‌تواند به موفقیت خود در رسیدن به اهداف تعیین شده برای حمله به ایران و تحمل شرایط بعد از تهاجم اطمینانی داشته باشد. برای اسرائیل میزان و سطح واکنش ایران روشن نیست؛ ایران هم توانایی این را دارد که با اتکا به توان موشکی خود به اقدام اسرائیل پاسخ گوید و هم با توجه به نفوذی که در میان گروه‌های فلسطینی دارد با گسترش چتر حمایتی خود از ظرفیت آنها برای پاسخگویی به اسرائیل استفاده کند. در هر دو صورت آنچه از میان می‌رود امنیت روانی شهروندان اسرائیلی است که این مسئله برای حکومت اسرائیل حتی بیش از خسارات مادی واجد اهمیت است. دیگر اینکه اسرائیل نسبت به حمایت ایالات متحده از خود به گونه‌ای که در صورت نیاز وارد درگیری با ایران شود، مطمئن نیست؛ چرا که درگیری میان ایران و آمریکا در سطحی متفاوت از درگیری ایران و اسرائیل است و این به سبب گستره پیامدهای این درگیری است. پیامد این درگیری تنها به خاورمیانه محدود نمی‌شود و می‌تواند ابعادی فرا منطقه‌ای به خود بگیرد.

دقت در توانایی نظامی ایران و اسرائیل نشان می‌دهد که به ظاهر و بر اساس محاسبه کمی و کیفی نیروها و تجهیزات نظامی، موازنه‌ای میان آنها برقرار نیست؛ چرا که با در نظر گرفتن سلاح‌های غیر متعارف اسرائیل در کنار مجموعه تسلیحات متعارف پیشرفته آن می‌توان گفت که این مجموعه نه تنها توانسته هم پوشانی مناسبی با نقاط ضعف آن - نظیر نداشتن عمق استراتژیک یا جمعیت محدود - داشته باشد، بلکه آن را در موقعیتی ویژه و برتر نسبت به تمامی کشورهای خاورمیانه قرار داده است. با این وجود احساس ترس و عدم اطمینان آن نسبت به چگونگی و گستره اقدامات تلافی‌جویانه ایران موجب برقراری نوعی موازنه میان توانایی هر دو واحد شده است؛ موازنه‌ای که نابرابری را در ذات خود دارد، اما تاکنون توانسته از درگیر شدن این واحدها با یکدیگر جلوگیری به عمل آورد. در پایان ضروری است که اشاره شود ایران برای حفظ این شرایط و ارتقای جایگاه خود در این موازنه باید مجموعه‌ای از اقدامات را انجام دهد. نخست، با بازسازی و مدرنیزه کردن نیروی هوایی خود توان رزمی این نیرو را افزایش دهد. دوم، با ایجاد یک سیستم پدافند هوایی و موشکی به روز، موثر و کارآمد، میزان کارایی آن را در دفاع حریم هوایی کشور بالا برد. سوم، با افزایش نفوذ و گسترش وابستگی‌های همسایگان به خود هزینه همکاری آنها را با هر نیروی مهاجم افزایش

دهد و در نهایت ایران در رابطه خود با ایالات متحده آمریکا همواره باید چنان رفتار کند که در معادله هزینه- فایده درگیری با ایران، هزینه های این درگیری آنچنان بالا باشد که مانع از ورود آمریکا در یک درگیری با ایران شود. بی شک اسرائیل بدون اطمینان از حمایت آمریکا هرگز با ایران درگیر نخواهد شد. □



## پاورقیها:

۱. اسماعیل بشیری، «مینی بمب هسته ای: گریز از تعهدات معاهده منع اشاعه تسلیحات هسته ای»، پژوهشنامه خلع سلاح، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲، ص ۳۶-۳۷.
۲. مصاحبه با محسن رفیق دوست، وزیر سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شهروند امروز، ۶ مرداد ۱۳۸۷.
3. Iranian Missiles: Shahab-1, available at :[http:// www.fas.org/nuke/guide/iran/missile/shahab-1.htm](http://www.fas.org/nuke/guide/iran/missile/shahab-1.htm), Jun 2008.
4. James Martin Center for Nonproliferation Studies, "Iran: Missile overview", [http://www.nti.org/e\\_research/profiles/Iran/Missile/index.html](http://www.nti.org/e_research/profiles/Iran/Missile/index.html), August 2008.
۵. ریچارد اسپایر، «موشکهای ایرانی و خرج آنها»، انتخابهای تسلیحاتی ایران: مسایل و تحلیلها، جفری کمپ، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۰، ص ۹۷-۱۰۷.
6. W. Seth Carus, "Iran as Military Threat", *Strategic Forum*, Washington D.C: Institute for National Strategic Studies, National Defense University Press, No.113, May 1997, p. 2.
۷. امین پژوهش جهرمی، «توسعه برنامه موشکی پاکستان»، ماهنامه صنایع هوا و فضا، سال اول، ۶ دی ماه ۱۳۸۴، ص ۲۴.
۸. ویژه نامه خبری رزمایش پیامبر اعظم، ماهنامه صنایع هوا و فضا، سال دوم، شماره ۱۱ خرداد ۱۳۸۵، ص ۴ و ۱۴.
9. James Martin Center, op. cit.
۱۰. روزنامه اعتماد، ۳۱ شهریور ۱۳۸۸، سال هفتم شماره ۱۹۵۷، ص ۲.
۱۱. جمیز بیل، شیر و عقاب، ترجمه مهوش غلامی، تهران: انتشارات شهراب، ۱۳۷۹، ص ۳۳۶.
12. "Iranian Air Force", available at: <http://www.globalsecurity.org/military/world/iran/airforce.htm>, July 2008.
۱۳. «مقابله با رادار گریزها»، ترجمه علی وهبی، ماهنامه صنایع هوا و فضا، سال دوم، شماره ۱۵ مهرماه ۱۳۸۵، ص ۳۲.
14. "Air Defenses", available at: <http://www.globalsecurity.org/military/world/iran/air-defense.htm>, July 2008.
15. Ibid.
۱۶. حسین نجفی خانیکی، «آشنایی با سامانه دفاع ضد موشک تور-ام ۱»، ماهنامه صنایع هوا و فضا، سال دوم، شماره ۹، فروردین ماه ۱۳۸۵، ص ۵۱-۵۲.
۱۷. جهانگیر کرمی، «جنگ افزارهای مدرن و منازعات منطقه ای: پیامدهای موشکهای بالستیک برای خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۵، ص ۴۷.
۱۸. بهنام اصغری، «توسعه برنامه موشکی اسرائیل»، ماهنامه صنایع هوا و فضا، سال دوم، شماره ۱۱، خردادماه ۱۳۸۵، ص ۶۳-۶۴.
19. Mohamed Kadry Said, "Missile Proliferation in the Middle East: a Regional Perspective", *Disarmament Forum: Middle East*, New York: United Nation Institute for Disarmament Research, No. 2, 2001, p.51.
۲۰. بهنام اصغری، همان، ص ۶۵.

۲۱. همان.
22. "Israel-IAF Equipment", available at: <http://www.globalsecurity.org/military/world/israel/iaf-equipment.htm>, July 2008.
23. Whitney Raas and Austin Long, "Osirak Redux? Assessing Israeli Capabilities to Destroy Iranian Nuclear Facilities", available at: [http://web.mit.edu/ssp/Publications/working\\_papers/wp\\_06-1.pdf](http://web.mit.edu/ssp/Publications/working_papers/wp_06-1.pdf), April 2006, p.16.
۲۴. ابراهیم اسماعیل کافیا، «مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه»، ترجمه رحمان میاح، ضمیمه فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۱ بهار ۱۳۸۳، ص ۴۰.
۲۵. «معرفی سیستم ضد موشک پاتربوت»، ماهنامه صنایع هوا و فضا، سال دوم شماره ۱۶ آبان ۱۳۸۵، ص ۷۷-۷۸.
۲۶. «سامانه دفاع موشکی ارو»، ماهنامه صنایع هوا و فضا، سال دوم، شماره ۹، فروردین ۱۳۸۵، ص ۲۹-۳۱.
27. Yaakov Katze, "Israel Successfully Test Arrow2 Defense System", *The Jerusalem Post*, April 7, 2009, p.1.
28. "Delilah," available at: [http://www.israeliweapons.com/weapons/missile\\_systems/air\\_missiles/delilah2/Delilah1.html](http://www.israeliweapons.com/weapons/missile_systems/air_missiles/delilah2/Delilah1.html), May 2008.
۲۹. همان.
30. "Israel's Strategic Future: The Final Report of Project Daniel", available at: <http://www.acpr.org.il/ENGLISH-NATIV/03-ISSUE/daniel-3.htm>, September 2008.
۳۱. برای نمونه بنگرید به: محمدرضا گلشن پژوه، «تهدیدات سیاسی نظامی اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای ایران»، بولتن ویژه: تحولات سیاسی - امنیتی اسرائیل، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۶۸-۱۴۵.
32. Whitney Raas and Austin Long, op. cit., p.12.
33. Ibid., pp.11-12.
34. Ibid., pp.21-24.
35. James Martin Center, op. cit.
۳۶. داوود فیرحی، «مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۳۶-۱۳۷.
۳۷. ابراهیم عبدالکریم، «جنگ اسرائیل برضد مردم فلسطین»، ترجمه حجت رسولی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی، شماره ۲، بهار ۱۳۸۳، ص ۸۵.
۳۸. امیر محمد حاجی یوسفی، ایران ورژیم صهیونیستی: از همکاری تا منازعه، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۲، ص ۱۸۳.

